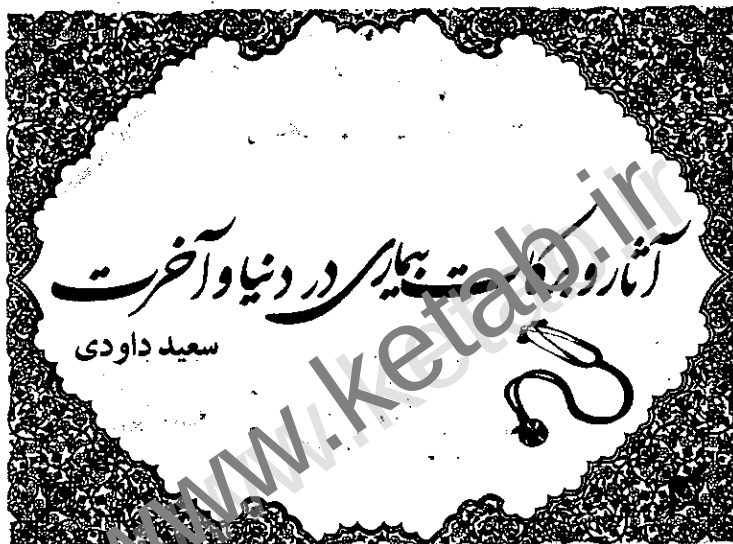




سرشناسه : داودی، سعید، ۱۳۴۳ -
عنوان و نام پدیدآور : آثار و برکات بیماری در دنیا و آخرت
/ نویسنده سعید داودی.
مشخصات نشر : قم: فاتح خیبر، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری : ۹۶ ص.
شابک : ۳۰۰۰۰ ریال ۰۰-۶۳-۸۷۸۵-۹۶۴-۹۷۸.
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : بیماری‌ها -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
رده بندی کنگره : ۱۳۹۲ / ۵۲۱۲ / ۶ BP۲۳۲۲
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۸۵
شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۶۷۴۱۱

آثار و برکات بیماری در دنیا و آخرت

مؤلف: سعید داودی
انتشارات فاتح خیبر
شمارگان: ۵۰۰۰
چاپ: پاسدار اسلام
نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۲
صحافی: نفیس
قیمت: ۳۰۰۰ تومان
شابک: ۰-۶۳-۸۷۸۵-۹۶۴-۹۷۸

حق چاپ محفوظ است.

۷ مقدمه مؤلف

فصل اول: بیماری؛ چرا و چگونه؟ / ۱۳

۱۳	الف) عوامل بیماری
۱۳	۱. پرهیز نکردن
۱۷	۲. اندوه و غم
۱۸	۳. عوامل بیرونی و گوناگون
۱۹	ب) حکمت‌ها و مصالح بیماری
۲۰	۱. مصلحت الهی
۲۱	۲. کفاره گناهان
۲۵	۳. رحمت الهی
۲۷	۴. آزمایش
۲۸	۵. تأدیب
۳۰	۶. اجر و پاداش
۳۴	۷. تقرب به پروردگار
۳۴	۸. مایه اندرز
۳۵	۹. مریضی، نصیب هر مؤمن

فصل دوم: بیمار و بیماری / ۳۸

۳۸	الف) جایگاه و مقام بیمار
۳۸	۱. بیمار در پرتو عنایت الهی
۳۹	۲. استجاب دعاي بیمار
۴۰	۳. نوشتن بهترین اعمال
۴۵	ب) وظایف بیماران
۴۵	۱. شکرگزاری
۴۸	۲. کتمان بیماری
۵۰	۳. شکایت و بی‌تابی نکردن از بیماری
۵۴	۴. آرزوی مرگ نکردن



- ۵۴ صدقه.
- ۵۵ دعا و توسل.

فصل سوم: افراد سالم و بیمار / ۶۲

- ۶۲ الف) وظایف افراد سالم در برابر بیماران.
- ۶۲ ۱. دوری از بیماری‌های واگیردار.
- ۶۳ ۲. پرهیز از نگاه طولانی به افراد مبتلا به بیماریهای علاج ناپذیر.
- ۶۴ ۳. مجبور نکردن بیمار به خوردن غذا.
- ۶۴ ۴. هدیه دادن به بیمار و مهربانی با او.
- ۶۵ ۵. توقف برای بهبود همسفر بیمار.
- ۶۵ ۶. کم نشستن نزد بیمار.
- ۶۷ ب) پرستاری از بیمار.
- ۶۷ یادآوری پرستاری از بیمار.
- ۶۹ ج) عیادت از بیمار.
- ۷۶ حُسنِ علاج.
- ۷۶ سخت‌تر از بیماری بدن چیست؟

فصل چهارم: به سائل احکام / ۷۷

- ۷۷ صد مسئله شرعی مربوط به بیماران.

بیماری، یکی از مسائلی است که همه انسان‌ها با آن مواجه‌اند. و طعم تلخ بلای بیماری را می‌چشند. بیماری در اسلام به عنوان زندان بدن و یکی از سخت‌ترین بلاها معرفی شده است در روایتی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌خوانیم:

«الْمَرَضُ أَحَدُ الْحَبْسَيْنِ؛ بیماری یکی از دو زندان است.»

و در روایتی دیگر می‌فرمایند:

«الْمَرَضُ حَبْسُ الْبَدَنِ؛ بیماری، بازداشتگاه بدن است.»

هر انسانی در برابر مسئله بیماری با پرسش‌هایی از این دست، رویارو می‌شود. حکمان موجود در قراردادنِ زندانی به نام «بیماری» در نظام هستی چیست؟ آیا نیست که خداوند، انسان را به گونه‌ای بیافریند که در طول زندگی به بلای بیماری گرفتار نشود؟ اصولاً چرا انسان، بیمار می‌شود؟ آیا می‌توان کاری کرد که انسان، هیچ‌گاه به زندان بیماری گرفتار نیاید؟

مکتب نورانی اسلام که نسبت به هیچ یک از شئون دنیوی و بشری تفاوت نیست، در برابر این مسئله نیز دستوراتی دارد.

پاسخ این پرسش‌ها را در این کتاب با نگاهی به علت بیماری انسان، شروع کردیم که چرا انسان بیمار می‌شود؟ دانش پزشکی در پاسخ به این پرسش، عوامل مادی انواع بیماری را بیان می‌کند. گاه علت یک بیماری را وراثت، یا انتقال میکروب، یا تغذیه بد، یا عوامل دیگر از این دست می‌شمارد. اما مسئله اصلی این است که آیا آنچه در جهان طب، به عنوان عامل بیماری شناخته می‌شود، علت تامه است یا ممکن است



عوامل ناشناخته دیگری نیز در کنار این عوامل وجود داشته باشند؟ عقل انسان وجود عوامل ناشناخته را غیر ممکن نمی‌داند، هر چند اثبات این عوامل هم نیازمند دلیل است. روایات اسلامی، ضمن تأیید علل مادی بیماری‌ها و تأکید بر این که برخی بخشی از بیماری‌ها می‌توان از طریق مبارزه با علل آن‌ها، پیشگیری کرد، در کنار علل مادی، علل ناشناخته‌ای را برای بیماری‌ها اثبات می‌کنند. این علل در واقع، حکمت بیماری‌ها در نظام آفرینش است. از سویی دیگر از دیدگاه روایات اسلامی برای درمان بیماری‌ها عوامل دیگری در کنار داروهای شناخته شده وجود دارد؛ مانند دعا، صدقه و اموری از این قبیل که شناخت آن‌ها برای دانش طب، امکان پذیر نیست.

بخش مهم و اساسی که در این کتاب به آن پرداخته‌ایم آن است که حکمت و مصالح بیماری در چیست؟ با بررسی روایات این بخش به خوبی در می‌یابیم که بیماری مؤمن حکمت‌ها و مصالح گوناگونی دارد که به راحتی می‌توان آن را از خلف و مدیه‌ای از سوی خداوند به مؤمن دانست. با مطالعه این بخش به خوبی به این نکته پی خواهید برد.

البته ذکر این نکته ضروری است که بر مقابل تمامی پاداش‌هایی که درباره بیماری مؤمن به ما رسیده است، احدی حق ندارد از خداوند بیماری درخواست کند؛ بلکه تمام دستورهای اسلام برای سلامتی تن است و روایات و ادعیه پیشوایان معصوم علیهم‌السلام بر دعا برای عافیت و صحت و سلامتی تأکید دارد. به عنوان نمونه امام صادق علیه‌السلام در روایتی پس از بیان برخی از پاداش‌های بیماری در انتهاء می‌فرماید:

«... وَالْعَافِيَةُ أَحَبُّ إِلَيْنَا؛^۱ ... البته سلامت و تندرستی نزد ما

بهرتر است.»

و باز در منابع نورانی روایی مکتب عزیزمان اسلام، می‌خوانیم:



روزی رسول گرامی اسلام ﷺ برای عیادتِ بیماری بر بستر او حاضر شد و از او احوالپرسی کرد. آن بیمار عرض کرد: «نماز مغرب را به امامت شما به جا آوردم و شما در نماز، سوره قارعه را خواندید. پس از آن با خود گفتم: پروردگارا! اگر من گناهی کرده‌ام که می‌خواهی در آخرت مرا به کفر آن برسانی از تو می‌خواهم که تعجیل کنی و در دنیا مرا پاک فرمایی. پس از این دعا بود که چنین بیمار شدم.»

رسول خدا ﷺ به او فرمود:

«بِسْمِ اللَّهِ أَلَّا قُلْتُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؛ چیزی بدی خواسته‌ای؛ چنین دعا نکردی که پروردگارا! نیکی دنیا و آخرت را نصیب ما کن و مرا از عذاب دوزخ نگاه دار.»

پس از آن رسول خدا ﷺ برای آن مرد بیمار دعا کرد و او بهبود یافت.

بنابراین نه مطلق بیماری را شوم تأیید می‌کند و نه مطلق تندرستی شایسته انسان مؤمن است. به همین علت حضرت موسی علیهِ السلام در دعای خویش، این گونه از خداوند طلب می‌کند:

«يَا رَبِّ لَا مَرَضٌ يُضْنِي وَلَا شَيْءٌ يُسْنِي وَلَكِنْ بَيْنَ ذَلِكَ أَمْرٌ تَارَةً فَأَشْكُرُكَ وَأَصْحَ تَارَةً فَأَذْكُرُكَ؛^۱ پروردگارم! نه آن بیماری [را می‌خواهم] که مرا زمینگیر کند و نه آن تندرستی [را طلب می‌کنم] که به فراموشی تو منجر شود؛ بلکه حالت میانه‌ای را خواستارم. گاه بیمار شوم تا شکر تو گویم و گاه تندرست باشم تا شاکر تو باشم.»

امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز چنین دعا می‌کند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ ... مِنْ سَقَمٍ يَشْغَلُنِي وَ مِنْ صِحَّةٍ تُلهِيَنِي؛^۲ خداوند! به تو پناه می‌برم ... از درد و رنجی که مرا به



خویش مشغول سازد و از صحت و سلامتی که مرا سرگرم کند.»
و نکته پایانی این که اسلام دستور به مداوا داده و نزد پزشک رفتن و تلاش برای بهبودی یافتن جزء واجبات است. همانگونه که کسی حق ندارد به بدن خویش آگاهانه ضرر وارد نماید و آن را بیمار کند، حق ندارد به دنبال پی گیری بیماری خویش نرود و با این وضع بسازد. در بخشی از روایات ما به این معنا اشاره شده که هر دردی دوايي دارد جز آن چه که خداوند متعال مصلحت ندیده و رفتن نزد طبیب جهت بهبودی نیز جزء امور بایسته و لازم شمرده شده است. در روایات دیگر نیز استمرار بیماری جزء مصیبت های بزرگ شمرده شده است که قدم اول برائت از آن به دنبال دوا نمودن آن است.

ه ما کنون به برخی از این دسته روایات اشاره می کنیم:

پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

«تَدَاوُوا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يُنْزِلْ دَاءً إِلَّا وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ لَهُ شِفَاءً، إِلَّا الْإِثْمَ وَالْهَرَمَ؛^۱ خود را مداوا کنید؛ زیرا خداوند متعال هیچ دردی نازل نکرد مگر آن که برای شفايي نهاد، به جز مرگ و پیری (که دوايي ندارد).»

«لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ، فَإِذَا أُصِيبَ بِدَوَاءٍ بَرَأَ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛^۲ هر دردی رادرمانی است پس چون دواء به دردت برسد، به اذن خداوند عزوجل بهبودیابد.»

«إِنَّ الَّذِي خَلَقَ الْأَدْوَاءَ خَلَقَ لَهَا دَوَاءً؛^۳ آن که دردها را آفریده، برای آنها درمان نیز آفریده است.»

«تَدَاوُوا؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يُنْزِلْ دَاءً إِلَّا وَ أَنْزَلَ لَهُ شِفَاءً؛^۴ خود را مداوا کنید؛ چه، خداوند عزوجل هیچ دردی را فرو نفرستاده، مگر این که برای آن، شفايي هم نازل کرده است.»

«إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُنْزِلْ دَاءً - أَوْ لَمْ يَخْلُقْ دَاءً - إِلَّا أَنْزَلَ - أَوْ

۱. کتر العتال: ح: ۲۸۰۸۸. ۲. صحیح مسلم ۴: ۱۷۲۹. ۳. دعائم الإسلام ۲: ۱۴۴.

۴. مکارم الأخلاق ۲: ۱۷۹.

خَلَقَ - لَهُ دَوَاءٌ؛ عَلِمَهُ مَنْ عَلِمَهُ، وَجَهْلُهُ مَنْ جَهْلُهُ إِلَّا السَّامَ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا السَّامُ؟

قال: الْمَوْتُ؛ اخذوا، هیچ دردی را فرو نرستاده (یا هیچ دردی را نیافریده)، مگر این که درمانی نیز برایش فرو نرستاده (یا آفریده) است و کسانی از آن آگاهی یافته اند و کسانی نیز از آن ناگاه مانده اند، مگر سام. پرسیدند: سام چیست؟ فرمود: «مرگ».

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز در روایتی می فرماید:
«لِكُلِّ حَيٍّ دَاءٌ، لِكُلِّ عِلَّةٍ دَوَاءٌ؛ أهرزنده ای را دردی هست و هر بیماری ای را درمانی است».

و امام رضا علیه السلام در روایتی فرمودند:
«إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَبْتَلِ الْبَدَنَ بِدَاءٍ؛ حَتَّى جَعَلَ لَهُ دَوَاءً يَنْجِيهِ، وَ لِكُلِّ صِنْفٍ مِنَ الدَّاءِ صِنْفٌ مِنَ الدَّوَاءِ، وَ تَدْبِيرٌ وَ نَعْمٌ؛ خداوند عزوجل بدن را به هیچ بیماری ای گرفتار نساخت، مگر آن هنگام که برایش دارویی قرار داد که بدان، درمان شود؛ و برای هر نوعی دردی، نوعی درمان است و چاره ای و نسخه ای».

امام صادق علیه السلام هم می فرماید:
«إِنَّ نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ مَرِضَ فَقَالَ: يَا أَبَدَايَ حَتَّى يَكُونَ الَّذِي أَمْرَضَنِي هُوَ الَّذِي يَشْفِينِي فَأَوْحَى إِلَيْهِ تَقَالَى إِلَيْهِ لَا أَشْفِيكَ حَتَّى تَتَدَاوَى فَإِنَّ الشِّفَاءَ مِنِّي، زَادَ فِيهِ الدَّوَاءُ مِنِّي. فجعل يتداوى فاتى الشفاء؛^۱ یک پیغمبری بیمار شد و گفت: درمان نکنم تا همان که بیمارم کرده درمان کند، خدا تعالی به او وحی کرد، شفایت ندهم تا مداوا کنی، زیرا شفاء از من است، و در ادامه افزود: و دوا هم از من است. پس مداوا کرد و شفا یافت».

و اما این که استمرار بیماری چه اشکالی دارد در روایاتی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام می خوانیم که فرمودند:-

۱. المستدرک علی الصحيحین ۴: ۴۴۵. ۲. غررالحکم، ج ۴: ۷۲۷.
۳. بحار الأنوار ۶۲: ۳۰۹. ۴. مکارم الاخلاق: ۴۱۹.



کتابخانه دیجیتال آیت الله العظمی بروجردی



«لَا رَزِيَّةَ أَعْظَمُ مِنْ دَوَامِ سُقْمِ الْجَسَدِ؛^۱ مصیبتی سخت تر از استمرار بیماری نیست.»

«ثَلَاثٌ مِنْ أَعْظَمِ الْبَلَاءِ: كَثْرَةُ الْعَائِلَةِ، وَ غَلَبَةُ الدِّينِ، وَ دَوَامُ الْمَرَضِ؛^۲ سه چیز از بزرگترین گرفتاری هاست: فراوانی نان خوران، چیرگی بدی، و استمرار بیماری.»

در منابع روایی می خوانیم که روزی حضرت موسی بن عمران علیه السلام مریض شد. بنی اسرائیل به عیادتش آمدند مرض او را تشخیص داده گفتند اگر بوسیله فلان گیاه خود را معالجه کنی بهبودی خواهی یافت. گفت دارو استعمال نخواهم کرد تا خداوند بدون دوا مرا شفا عنایت کند. مدتی مریض بود به او وحی شد که به عزت و جلالم سوگند شفایت نمی دهم مگر این که خود را بوسیله همان دارویی که بنی اسرائیل گفتند، مداوا کنی. آن ها را خواست و گفت همان دارو را بیاورید تا در علم بگذارم طولی نکشید بهبودی یافت موسی از اینکه ابتدا چنین گفته بود در دل بیمناک بود. خطاب رسید:

«أَرَدْتُ أَنْ أَنْفَعَكَ حِكْمَتِي بِتَوَكُّلِكَ عَلَى فَمَنْ أَوْدَعَ الْعَقَاوِيرَ مَنَافِعَ الْأَشْيَاءِ؟»^۳ موسی خیال داری با توکل خود حکمت و اسرار خلقت مرا از پس ببری. به جز من چه کسی در ریشه گیاه ها این فوائد با ارزش را قرار داده است؟

در پایان با تشکر از تمامی عزیزانی که در آماده سازی این کتاب همراه حقیر بودند، ثواب معنوی این اثر را به جانبازان سرافراز هشت سال دفاع مقدس میهن عزیز اسلامی امان تقدیم می کنم. امید است شرمندۀ این عزیزان نباشیم...

قم؛ آشیانه آل محمد علیهم السلام

سعید داودی

۱۳۹۲/۲/۱۷

۱. غرر الحکم، حدیث ۱۰۷۲۶. ۲. غرر الحکم، حدیث ۴۶۷۳.

۳. جامع الشّعادات ۳: ۲۲۷.